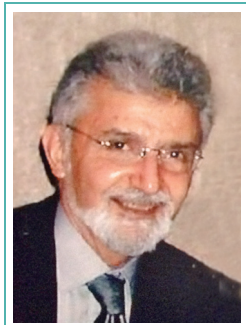


درگذشت محمدحسین پرتوی



(۱۳۹۳-۱۳۲۰)

فرهاد اردلان*

در پاییز سال ۹۳ یکی از چهره‌های مؤثر فیزیک ایران در نیم‌قرن گذشته چشم از جهان فرو بست.

حسین پرتوی پس از دریافت درجه دکتری از دانشگاه ام‌آی‌تی، در سال ۱۳۴۸ در دانشگاه صنعتی شریف به عضویت هیئت علمی درآمد و از همان آغاز به مدت ده سال مؤثرترین چهره فیزیک این دانشگاه و طبیعتاً کشور بود.

وی پایه‌گذار آموزش جدید فیزیک در دانشگاه شریف و در نتیجه در کشور به شمار می‌آید. روش آموزش فیزیک جدید که با استفاده از سری کتاب‌های مشهور هالیدی-رزنیک شروع می‌شود و به آموزش مکانیک کوانتومی به روش مدرن فعلی می‌انجامد مدیون حسین پرتوی است.

پرتوی در اداره دانشکده فیزیک چه در زمانی که رئیس دانشکده بود (از ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱)، و چه پس از آن، حلال مشکلات تلقی می‌شد. او به همراه محمد یلپانی از دانشکده شیمی در اولین کمیته ارتقاء دانشگاه شریف پایه‌های معیارهای کیفی و پژوهشی را برای ارتقاء بنا نهاد. محبوبیت عمومی وی در میان دانشجویان زبانزد همه بود.

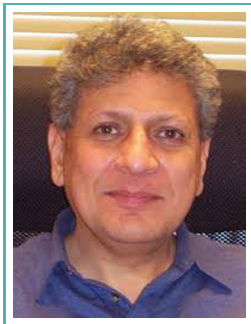
در سال‌های قبل از انقلاب که مقدمات تأسیس یک مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات فراهم می‌شد، وی فرد شاخص گروهی بود که در پی ایجاد این مرکز بودند، اولین طرح این مقوله نیز به قلم اوست که پس از سفر عبدالسلام برنده جایزه نوبل فیزیک به ایران و مشاوره‌های بعدی با وی چه در ایران و چه در تریست ایتالیا (مقر مرکز تحقیقات بین‌المللی فیزیک نظری ICTP)، به انجام رسید. پس از حک و اصلاحات فراوان این طرح مرکز مورد نظر به صورت دانشگاه تحصیلات تکمیلی در مازندران احداث شد ولی پس از انقلاب به یک دانشگاه متعارف منطقه‌ای تبدیل شد.

* دانشگاه صنعتی شریف و پژوهشگاه

دکتر محمدحسین پرتوی فیزیکدان شاخصی که در سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۹ نقش مهمی در پیشبرد آموزش فیزیک در ایران ایفا کرد، در مهر ماه امسال در آمریکا درگذشت. در این یادنامه، نخست زندگینامه مختصر او به قلم برادرش دکتر فیروز پرتوی می‌آید (فیروز پرتوی نیز از فیزیکدانان شاخص کشور از اوایل دهه ۴۰ تا اوایل دهه ۶۰ و اولین رئیس دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف بود). سپس یادکرد محمدحسین پرتوی را به قلم دو تن از همکاران سابق او می‌خوانید.

فیروز پرتوی

دکتر محمد حسین پرتوی در ۲۰ تیر ۱۳۲۰ تولد یافت و در سال ۱۳۳۹ از دبیرستان البرز فارغ‌التحصیل و برای ادامه تحصیلات عازم آمریکا شد. در سال ۱۳۴۳ مدرک کارشناسی خود را در رشته فیزیک از انستیتو پلی تکنیک رنسلیر (Rensselaer) دریافت کرد و در سال ۱۳۴۸ به کسب درجه دکتری در رشته فیزیک نظری از ام‌آی‌تی نائل شد. عنوان رساله دکتری او *Field Theoretical Nucleon-Nucleon Potential* بود. پس از آن تا سال ۱۳۵۶ در دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف به تدریس اشتغال داشت که بخشی از آن با سرپرستی دانشکده همراه بود. وی نقش اساسی در بنیانگذاری آن دانشکده و اثر مثبت عمیقی بر دانشجویان خود داشته است. پرتوی از ۱۳۵۸ تا ۱۳۵۹ در دانشگاه مازندران و از ۱۳۶۲ تا ۱۳۹۱ در دانشگاه ساکرامنتو واقع در ایالت کالیفرنیا آمریکا به تدریس فیزیک مشغول بود. در خلال این مدت، چند سال در مرکز فیزیک نظری ام‌آی‌تی و نیز در مرکز شتابگر خطی استانفورد به عنوان دانشمند مدعو به تحقیق در فیزیک نظری پرداخت. او بیش از ۵۰ مقاله تحقیقاتی عمدتاً در فیزیک نظری و نیز ریاضی-شیمی و تئوری اقتصاد در نشریات معتبره به چاپ رسانده است. وی روز ۲۶ مهر ۱۳۹۳ در شهر ساکرامنتو دار فانی را وداع گفت.



بهرام مشحون



فرهاد اردلان

مشترک در این زمینه، مقاله‌ای چهارده صفحه‌ای بود که در مجله فیزیکال ریویو (Physical Review D20, 2955 (1979)) انتشار یافت؛ در آن مقاله، دسته‌ای از جواب‌های معادلات میدان گرانشی با بار الکتریکی را بررسی کردیم و به خصوص، فضازمان مک ویتی (McVittie) را تعمیم دادیم. بعداً یک مقاله چهل صفحه‌ای در آنالز آو فیزیکس (Annals of Physics 130, 99 (1980)) چاپ کردیم. هدف این مقاله، تعمیم قضیه معروفی از رضا منصوری و قرار دادن آن در چارچوب کیهان‌شناسی بود. ما همکاری نزدیکی در این پروژه داشتیم هرچند در آن زمان او در استانفورد بود و من در کلتک. بیشتر کار را انجام داده بودیم که او تصمیم گرفت به ایران بازگردد، دست‌نوشته‌هایش را برای فرستاد و از من خواست پروژه را به اتمام برسانم. در ایران، انقلاب رخ داده بود و بازگشت به آنجا، مادامی که ناآرامی ادامه داشت، مخاطره‌آمیز به نظر می‌رسید. ولی حسین توضیح داد که باید برای کمک به همکاری‌هایش به کشور برگردد، من حس وظیفه‌شناسی او را عمیقاً تحسین کردم ولی مجبور شدم ساعت‌های زیادی را صرف مطالعه دقیق یادداشت‌های او کنم. بالاخره، در تعبیر نکته‌ای دچار اشتباه شدم و در نتیجه، در صورت نهایی مقاله خطایی راه یافت. چند سال پس از انتشار مقاله دوم ما، Prasod و Srivastava (GRG 15, 65 (1983)) و نیز Collins و Wain Wright (PRD 27, 1209, (1983)) مستقل از هم آن خطا را خاطر نشان کردند که ما آن را تصحیح کردیم و کارمان را در مقاله‌ای درباره ویژگی یکتایی عالم‌های FLRW (PRD 30, 1839, (1984)) بیشتر تعمیم دادیم. حسین به فوریت به اهمیت نتایج ما برای کیهان‌شناسی پی برد و به بررسی پیامدهای رصدی ناهمگنی‌های بزرگ مقیاس پرداخت که حاصلش مقاله‌ای به قلم حسین پرتوی و من در مجله اختر فیزیک (Astrophysical Journal 276 (1984)) بود. نتیجه عمده این کار را در زمینه شتاب کیهانی چنین می‌توان تعبیر کرد: ناهمگنی‌های مکانی ممکن است به صورت انرژی تاریک تصور شود.

من رویکرد دانشمندان، استانداردهای بالا، روش‌های دقیق تحقیق، و برخورد علمی قاطع او را تحسین می‌کردم. این ویژگی‌ها باعث می‌شد که هر همکاری علمی با او، هم پر بار و هم تجربه‌ای برای یادگیری باشد. ■

طرح ایجاد مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضی پس از انقلاب به وسیله برخی از همکاران حسین پرتوی و تنی چند از ریاضیدانان پیگیری شد و نهایتاً به صورت مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات (پژوهشگاه دانش‌های بنیادی فعلی، IPM) درآمد.

حسین پرتوی در سال ۱۳۵۸ به آمریکا مهاجرت کرد و تا پایان عمر عضو هیئت علمی دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در ساکرامنتو بود. با این حال، به طور مستمر با فیزیکدانان IPM در تماس بود و چندین بار برای همکاری علمی و مشاوره درباره سیاست علمی به پژوهشگاه آمد، و در دانشگاه شریف نیز سخنرانی‌هایی ایراد کرد.

پنجاه سال زندگی علمی حسین پرتوی اثرش را بر فیزیک ایران گذاشته است. فقدان وی در جامعه فیزیک محسوس است، و برای یاران و همکارانشان، یک فاجعه.

بهرام مشحون*

من در سال ۱۳۵۱ در دانشگاه شریف فعلی با محمد حسین پرتوی آشنا شدم. در سال تحصیلی ۵۱-۵۲ در آنجا استادیار فیزیک بودم و حسین در مقام رئیس دانشکده فیزیک مرا استخدام کرده بود. موقعی که پس از کسب درجه دکتری از پرینستون متقاضی کار در دانشگاه شریف شدم هیچ کس را در آنجا نمی‌شناختم. ولی دانشکده فیزیک از ورود من به گرمی استقبال کرد، و من بلافاصله سرگرم تدریس و تحقیق شدم. از جمله چیزهایی که در آن محیط تأثیر قوی بر من گذاشت، بحث‌هایی بود که با حسین داشتم. او مدرس و محقق برجسته بود با حوزه علاقه‌ی نسبتاً گسترده. به علاوه، نگرش او به مباحث، نگرش جذاب یک فیلسوف طبیعی بود. ما اغلب درباره نظریه گرانش و کیهان‌شناسی بحث می‌کردیم. به یاد می‌آورم که او علاقه ویژه‌ای به موضوع تأثیر بار الکتریکی بر پدیده‌های گرانشی، به خصوص در کیهان‌شناسی، داشت.

علاقه مشترک ما به نظریه نسبیت اینشتین و کیهان‌شناسی بعداً به مکاتبات مفصلی درباره موضوعات مربوط به زمبش گرانشی یا انبساط منظومه‌های دارای بار الکتریکی انجامید. حاصل یک کار

* دانشگاه میزوری در کلمبیا، آمریکا